

واکاوی منشور اقدام ملی و تأثیر آن بر وضعیت

سیاسی بحرین

محمد رضا حاتمی^{۱*}

علیرضا بیگی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۴

چکیده

عواملی بسیار، موجب اختلاف میان حکومت و ملت در بحرین شده‌اند؛ یکی از مهم‌ترین آنها «منشور اقدام ملی» است که در زبان عربی «میثاق العمل الوطني» نام دارد. آنچه در عرصه داخلی، زمینه‌های چالش حداکثری را میان مردم و حکومت بحرین فراهم آورده، منشور اقدام ملی است؛ حکومت بحرین، مدعی است، طبق این منشور که در سال ۲۰۰۱، مردم آن را پذیرفتند، آنها (مردم بحرین) از امتیازهایی گسترده، بهره‌مند شدند؛ این در حالی است که اکثریت مردم این مجمع‌الجزایر معتقدند که مفاد منشور اقدام ملی با آنچه از سوی نظام این کشور انجام می‌شود، به‌طور کامل تفاوت دارد؛ بنابر باور مردم، آنچه در سال ۲۰۰۰ از سوی شخص پادشاه بیان شد و در سال ۲۰۰۱ در منشور اقدام ملی به‌ثبت رسید، با آنچه نظام، امروزه در عرصه عمل انجام می‌دهد، به‌طور کامل متفاوت است. پرسش اصلی پژوهش، این است که «منشور اقدام ملی چه تأثیری بر وضعیت سیاسی بحرین داشته و چگونه موجب اختلاف میان مردم و حکومت این مجمع‌الجزایر شده است؟»؛ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، بایستی ابتدا نظام سیاسی بحرین و شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه آن را بررسی کرده، سپس با واکاوی مهم‌ترین مفاد منشور اقدام ملی، چگونگی اختلاف میان مردم و نظام بحرین را توسط این منشور تبیین کرد.

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیل و گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و مصاحبه نخبگانی تبیین می‌سازد که اقدام‌های حکومت بحرین در منشور اقدام ملی با هویت دینی جامعه بحرین بسیار تفاوت دارد، چراکه حاکم وقت بحرین با تصویب یک‌جانبه قانون اساسی سال ۲۰۰۲، اختیاراتی برای خود تصویب کرد که با مفاد منشور اقدام ملی تناقض دارد و همین امر، موجب افزایش شکاف اختلافات میان مردم جامعه و حکومت، به‌ویژه در جنبش ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ شد.

واژگان کلیدی: بحرین، آل خلیفه، جنبش ۱۴ فوریه، میثاق العمل الوطني، هویت دینی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول): hatami5@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

کشور بحرین تا پیش از سال ۲۰۰۰ امارت بوده و امیر عیسی بن سلمان آل خلیفه، آن را اداره می‌کرد. پس از فوت شیخ عیسی بن سلمان در سال ۱۹۹۹، فرزند وی، عیسی بن حمد به قدرت رسید (حاتمی و بغیری، ۱۳۹۱: ۶۳)؛ او در سال ۲۰۰۰ برای اینکه بتواند بسیاری از مردم را با خود همراه ساخته و از مقبولیت اجتماعی بهره‌مند شود، از طرح اصلاحات فراگیر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه سخن به میان آورد و بیان کرد که درصدد تأسیس مجدد مجلس و قانون اساسی ملغی شده سال ۱۹۷۳ است؛ وی گفت که درصدد تبدیل بحرین به پادشاهی مشروطه و شریک کردن مردم در اداره حکومت است (السندی، ۱۳۹۶/۵/۷). حمد بن عیسی، امیر بحرین، قدرتمند کردن این مجمع‌الجزایر را منوط به تبدیل کردن آن از «امارت به پادشاهی» دانست (المرشد و الخواجه، ۲۰۰۸: ۵۷ و ۵۸)؛ طرح اصلاحاتی وی که به «اصلاحات حمد» نیز شهرت دارد، در قالب منشوری با عنوان «میثاق العمل الوطني» مطرح شد (الدقاق، ۱۳۹۶/۴/۲). برخی از وعده‌هایی که نظام بحرین تحقق آنها را منوط به تصویب منشور اقدام ملی دانست، به شرح زیرند:

- ۱- گشایش آزادی‌های سیاسی؛
 - ۲- اشاعه دموکراسی به جای قانون امنیت ملی؛
 - ۳- تأسیس پادشاهی مشروطه؛
 - ۴- ایجاد تغییرهای بنیادین در اقدام و عمل؛
 - ۵- نوسازی سازمان‌ها و مؤسسات حکومتی (سلمان، ۲۰۱۷: ۵۰) المرزوق، ۲۰۱۴: ۱۴۷).
- در این زمان که موضوع منشور اقدام ملی به مهم‌ترین بحث جامعه بحرین تبدیل شده بود، آیت‌الله شیخ عیسی قاسم که در قم، در تبعید به سر می‌بردند، با صدور چندین بیانیه و تماس‌های تلفنی با نخبگان بحرینی و رهبران تبعیدشده بحرینی در لندن، مخالفت خود را با این منشور اعلام و بیان کردند که در منشور اقدام ملی، هیچ شرطی حتی دین اسلام برای پادشاه وضع نشده است لذا بایستی شروطی نیز برای فرد پادشاه بیان شود؛ ایشان همچنین معتقد بودند که حاکم باید ضمانت‌هایی برای اجرای مفاد منشور در نظر بگیرد و به‌طور صرف به وعده‌های شفاهی بسنده نکند؛ وی درصدد صدور بیانیه‌ای به منظور تحریم این منشور بود اما به دلیل پذیرش این منشور از سوی بسیاری از نخبگان مردمی، از صدور بیانیه تحریم سربازد (المرزوق، ۲۰۱۴: ۱۴۸ و ۱۴۹). طبق گفتگوهایی که میان نخبگان مردمی

بحرین و امیر این کشور صورت پذیرفت، درنهایت، حمد بن عیسی، با وعده و وعیدهای شفاهی توانست اطمینان این افراد را به دست آورده، سپس به وسیله این افراد، مردم جامعه را برای رأی دادن به این منشور قانع کند (سلمان، ۲۰۱۷: ۲۴۴).

طبق این منشور، مردم می‌بایستی از امتیازهایی مطلوب، بهره‌مند می‌شدند لذا با همه‌پرسی‌ای که در ۱۴ فوریه سال ۲۰۰۱ برگزار شد، با ۹۸٫۴ درصد رأی مثبت آن را پذیرفتند. پس از تصویب منشور اقدام ملی، توسط ۹۳ درصد از مردم و تبدیل امارت بحرین به پادشاهی، حمد بن عیسی، به‌عنوان نخستین پادشاه بحرین، در ۱۴ فوریه سال ۲۰۰۲، وعده‌های خود را به‌فراموشی سپرده، از قانون اساسی جدیدی رونمایی کرد که به‌صورت یک‌جانبه از سوی خود او صادر شده بود (سلمان، ۲۰۱۷: ۵۰)؛ طبق مفاد این قانون اساسی، «پادشاه» قدرت مطلق کشور به‌شمار می‌رفت و از امتیازهای سیاسی و نظامی منحصر به فردی، بهره‌مند می‌شد؛ وی همچنین با تفسیری که خود از منشور اقدام ملی ارائه داد، اقدام‌هایی مخالف مفاد صریح منشور اتخاذ می‌کرد اما آن را مطابق منشور اقدام ملی و در چارچوب قانون اساسی جدید سال ۲۰۰۲ می‌دانست. خاندان آل خلیفه بر این باور بود که شیعیان، خطری استراتژیک (راهبردی) برای نظام این کشور به‌شمار می‌روند (بوصفوان، ۲۰۱۲: ۵۰۲ و ۵۰۳) لذا اقدام‌هایی که در چارچوب منشور اقدام ملی و قانون اساسی ۲۰۰۲ بدان می‌پرداخت، در تعارض با هویت اکثریت مردم بحرین، یعنی شیعیان قرار داشت. نظام با تفسیری خاص که از مفاد منشور ارائه می‌داد و بنابر آن، اقدام‌های خود را توجیه می‌کرد، در عمل، مردم، به‌ویژه شیعیان را در چارچوب سیاست «الإقصاء»^۱ و «التطهير»^۲ از قدرت دور می‌ساخت. به سبب هویت دینی اکثریت جامعه بحرین، به‌ویژه مکتب تشیعی که شیعیان در آن رشد یافته‌اند، پذیرفتن قانون اساسی ۲۰۰۲ که نظام آن را جزئی از منشور می‌داند، به‌مثابه پذیرفتن ظلم طاغوت است؛ بنابراین، مسلمانان، به‌ویژه شیعیان و حتی برخی از گروه‌های چپ و سکولار اهل سنت، همانند جمعیت وعد^۳ نیز به سبب ظالمانه بودن اقدام‌های نظام در چارچوب مفاد منشور، به مخالفت با آن پرداخته‌اند.

در این پژوهش با ترجمه منشور اقدام ملی به زبان فارسی، مهم‌ترین مفاد آن برگزیده و بررسی می‌شود تا بتوان با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و

۱. دور ساختن

۲. پاک‌سازی

۳. جمعیه العمل الديمقراطية

مصاحبه نخبگانی، به مسئله (پرسش) اصلی پژوهش، یعنی تأثیر منشور اقدام ملی بر وضعیت سیاسی بحرین و چگونگی بروز اختلاف میان حکومت و مردم توسط منشور اقدام ملی پاسخ داد؛ برای نیل به پاسخ این مسئله، ابتدا می‌بایست ابهام موجود در خصوص شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه و ساختار سیاسی نظام بحرین را برطرف ساخت سپس مؤلفه‌ها و اصول کلی این منشور را بررسی کرد به منظور نیل به این هدف، با استفاده از چارچوب نظری هویت‌شناسی و هویت جمعی، جامعه بحرین را موشکافی کرده، سپس میزان انطباق مفاد منشور اقدام ملی با هویت جمعی مردم این کشور ارزیابی می‌شود.

الف - مبانی نظری

همزیستی مسالمت در یک کشور، به تعامل پایدار حکومت و مردم آن، نیازمند است. تعامل پایدار و سازنده در یک کشور، زمانی به وجود می‌آید که هم حکومت، ارزش‌های مردم را به رسمیت شناخته، به آن احترام‌گذارد و هم مردم، از حکومت، به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت و برطرف‌کننده نیازهای کشور اطاعت کنند. اطاعت مردم از حکومت و سرسپردگی به اوامر آن، به شرط اول، نیازمند است، بدین معنی که ارزش‌های مردم از سوی حکومت به رسمیت شناخته شده، محترم باشد؛ ارزش‌هایی مانند احترام به نژاد، قوم، مذهب، طبقه، جنسیت، رنگ و ... که هویت هر انسانی را تشکیل می‌دهند، برای هر ملتی مهم است؛ هر یک از این مفاهیم، خود به تنهایی، به میزانی قابل توجه در روابط میان حکومت و مردم تأثیر دارند (امیرعبداللهیان، ۱۳۹۰: ۱۳۷) اما زمانی که همه آنها در قالب «هویت» معنا یابد، تأثیری به مراتب بیشتر از گذشته دربر خواهند داشت. هویت هر ملت، موضوعی در حیطه جغرافیای سیاسی و نیز مربوط به چگونگی پیدایش و بقای آن است. احساس تعلق فرد به جامعه و محیط جغرافیایی ویژه، علاوه بر احساس تعلق به مذهب، نژاد، رنگ پوست و قومیت، «هویتی ویژه» به فرد و جامعه پیرامونی آن می‌بخشد (Craig, 1965: 65). در چارچوب «هویت ویژه»، زبان و دین نیز از عناصر مهم هویتی ملت‌ها به‌شمار می‌آیند. از منظر هویتی، ارتباط سیاست و دین در غرب آسیا، بیش از دیگر نقاط این کره خاکی به چشم می‌خورد لذا یکی از تأثیرگذارترین عوامل سازنده سیاست‌های داخلی و خارجی در این منطقه، هویت دینی است؛ به عبارت دیگر، جدایی دین از سیاست، آنچنان‌که در کشورهای غربی نمود یافت، در منطقه غرب آسیا رخ نداد. بسیاری از حاکمان کشورهای منطقه غرب آسیا و خلیج فارس، داعیه رهبری دینی دارند لذا بدون در نظر گرفتن دین و مذهب، درک

روندهای سیاسی و اجتماعی در این منطقه امری بس دشوار است (امیر عبداللہیان، ۱۳۹۰: ۱۳۷). برخی بر این باور هستند که ملت و هویت ملی، برساخته روایت‌های سازه‌انگاران است که در آن، ملت‌ها با به‌یادآوردن خاطرات تداوم‌می‌یابند و درک آنان از هویتشان، براساس روایت‌هایی ساخته‌می‌شود که به‌وسیله خاطره برانگیخته‌می‌شوند. ریموند هینبوش بر این باور است که کسب هویت برای ایجاد نظام هنجاری مطلوب در سیستم عربی یا اسلامی، با وام‌گرفتن از پان‌عربیسیم یا پان‌اسلامیسیم، روابط بین‌الملل خاورمیانه‌ای را تحت تأثیر خود قرار داده‌است (هینبوش، ۱۳۸۶: ۲۷۰)؛ در کشور بحرین نیز، اکثریت مردم بحرین، هویت ملی خودشان را برساخته از روایت‌های سازه‌انگاران دینی، چون اکثریت شیعه و اکثریت مسلمان تشکیل داده‌اند لذا توجه به مقوله دین و ارزش‌های دینی در تحلیل اختلاف میان حکومت و مردم در جامعه بحرین، امری صائب، بلکه واجب است.

ب- پیشینه تحقیق

با خیزش موج تحولات منطقه غرب آسیا موسوم به بیداری اسلامی یا بهار عربی، کارشناسان بسیاری به موشکافی دقیق سیر ایجاد تحولات کشورهای درگیر در این موج پرداختند. تنها کشوری که با وجود سپری‌شدن چندین ماه از تحولات آن، کارشناسان داخلی و خارجی در تحلیل حوادث آن با فقر اطلاعاتی مواجه بودند، مجمع‌الجزایر کوچک بحرین بود. نظام بحرین با ایجاد محدودیت‌های شدید رسانه‌ای و اینترنتی و حتی بازداشت بسیاری از روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و فعالان فضای مجازی، از بازتاب حوادث این کشور کوچک به خارج از مرزهای آن جلوگیری می‌کرد (بی‌نا، ا ۲۰۱۴: ۷۹؛ بی‌نا، ا ۲۰۱۲: ۲۰۲ و بی‌نا، ج ۲۰۱۲: ۳۵۰ و ۳۵۱)؛ این امر، تحلیلگران را با فقر و کمبود اطلاعاتی مواجه می‌ساخت و موجب می‌شد تا تحلیل کارشناسان از دقت کافی و معلومات جزئی، بهره‌مند نشود و پژوهشگران، فقط در چند موضوع محدود که اطلاعات کافی درخصوص آن داشتند، به تحلیل حوادث آن بپردازند؛ این در حالی است که در پژوهش حاضر، یکی از مهم‌ترین اسنادی که مورد اتفاق نظام و مردم در بحرین بوده، بسیاری از پژوهشگران از آن بی‌اطلاع هستند یا اینکه اطلاعی بسیار ناچیز درباره آن دارند، به‌عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ این کشور مورد مذاقه قرار می‌گیرد؛ در واقع باید بیان کرد: موضوع‌های مصداقی و جزئی بسیاری در تحولات بحرین به‌ویژه در جنبش ۱۴ فوریه تأثیر داشته‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها، منشور اقدام ملی است؛ برخی از مهم‌ترین موضوع‌هایی

دیگر که در شکل‌گیری جنبش ۱۴ فوریه بحرین تأثیر داشته‌است و در پژوهش‌های اخیر، درخصوص آن غفلت شده‌است، بدین شرح‌اند:

- ۱- موضوع تغییر جمعیت شیعیان، معروف به «سیاسة التجنيس»؛
 - ۲- موضوع دورساختن شیعیان از مناصب امنیتی و قضایی، معروف به «سیاسة الإقصاء و التهميش»؛
 - ۳- موضوع تضعیف اقتصادی شیعیان و اعمال فشارهای اقتصادی و دینی به آنان برای مهاجرتشان، معروف به «سیاسة التهجير»؛
 - ۴- موضوع اعمال محدودیت به جمعیت‌ها و گروه‌های سیاسی و آگاهی از منابع مالی آنان و رصد ارتباطات آنان، معروف به «قانون الجمعيات»؛
 - ۵- موضوع کنترل غیرمستقیم اقدام‌ها و برنامه‌های جمعیت‌ها و گروه‌ها معروف به «قانون التجمعات»؛
 - ۶- موضوع فسادهای اقتصادی خاندان آل‌خلیفه و اطرافیان آنان، معروف به «فساد الجن»؛
 - ۷- موضوع تبعید علما و نخبگان با نفوذ بحرینی به‌ویژه شیعیان و بسیاری از موضوع‌های دیگر.
- به‌منظور تبیین بهتر پژوهش‌هایی که پژوهشگران ایرانی درخصوص حوادث اخیر بحرین پس از سال ۲۰۱۱ به‌رشته تحریر درآورده‌اند، به‌طورموجز به جدیدترین این پژوهش‌ها پرداخته‌می‌شود.

جدول ۱: جدیدترین پژوهش‌ها پیرامون بحرین

سال چاپ	نویسنده(گان)	عنوان پژوهش	موضوع پژوهش
تابستان ۱۳۹۲	محمدصادق نجفی و غلامحسین بلندیان	تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در بحرین	تأثیرهای انقلاب ایران بر جنبش بحرین و تشابه‌های انقلاب ایران و جنبش بحرین
تابستان ۱۳۹۳	الهام زارع مهریزی	بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر تحولات بحرین	
تابستان ۱۳۹۵	غفار زارعی و سید احمدرضا دهناد	تشابه جنبش شیعی بحرین با مدل انقلاب اسلامی ایران	
زمستان ۱۳۹۳	محمدصادق کوشکی و سید محمود حسینی و محمد قادری	چشم‌اندازی بر تأثیرات مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی بحرین	

ادامه جدول ۱: جدیدترین پژوهش‌ها پیرامون بحرین

سال چاپ	نویسنده(گان)	عنوان پژوهش	موضوع پژوهش
بهار ۱۳۹۳	مسعود رضائیان و شهاب جهانیان	انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن	بیداری اسلامی و تأثیر آن بر حوادث بحرین و شکل‌گیری جنبش بحرین و آسیب‌شناسی آن
پائیز ۱۳۹۵	سید مرتضی هزارئه‌ای و فریده بلوریان	بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به مسئله بیداری اسلامی (مطالعه موردی بحرین)	
تابستان ۱۳۹۰	حسین امیر عبداللهیان	ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب (مطالعه موردی بحرین)	
بهار ۱۳۹۳	عادل جهان‌خواه و ذوالفقار دیده‌ورا	بن‌مایه‌های بیداری اسلامی با مطالعه موردی بحرین	
تابستان ۱۳۹۲	ناصر پورحسن و عبدالمجید سیفی	عربستان و رویارویی هژمونیک با بیداری اسلامی در حوزه خلیج فارس (مطالعه موردی بحرین)	
خرداد ۱۳۹۳	عبدالله ماحوزی	بیداری اسلامی در بحرین و قیام ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ و بحرین در بحرین	
بهار ۱۳۹۲	فاطمه سلیمی	بحرین/ بیداری اسلامی در جزیره خونین اسلامی	
زمستان ۱۳۸۹	سعید هاشمی نسب	بحران بحرین	
پائیز ۱۳۹۳	جواد مددی	آسیب‌شناسی قیام بحرین	
تابستان ۱۳۹۳	هادی آجیلی و عابد باقری	واکاوی اندیشه سیاسی آیت الله شیخ عیسی قاسم	مطالعات شخصیت‌محور
تیر و مرداد ۱۳۹۵	حسین روی‌وران	آیت الله شیخ عیسی قاسم خط قرمز مردم	
تابستان ۱۳۹۶	امیر مقامی	سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم از منظر حقوق بین‌الملل	
بهار ۱۳۹۵	سید حمدی هاشمی	راهبرد بحرین در قبال شیعیان: مطالعه موردی سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم از منظر سیاسی و حقوقی	

ادامه جدول ۱: جدیدترین پژوهش‌ها پیرامون بحرین

سال چاپ	نویسنده(گان)	عنوان پژوهش	موضوع پژوهش
زمستان ۱۳۹۵	حسن مجیدی و سید مرتضی کاظمی دینان	راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین از منظر نظریه سازه‌انگاری	
بهار ۱۳۹۱	علی آدمی	بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران	مطالعات امنیت حور
پائیز ۱۳۹۲	محمدرضا حاتمی	تحولات بحرین: بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی امنیت ملی	

منبع: حاتمی، محمدرضا، (۱۳۹۲)

ج - یافته‌های تحقیق

حوادث اخیر بحرین، پس از تحولات بیداری اسلامی در چند دسته زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱- هویت دینی اکثریت مردم بحرین

هویت دینی، یکی از هویت‌های جدانشدنی (لاینفک) مردم بحرین است. محمد بن جریر طبری در کتاب *تاریخ الرسل و الملوک* بیان می‌کند که پس از ظهور اسلام، پیامبر اکرم (ص) در سال ششم هجرت، *ابوالعلاء حضرمی* را به بحرین می‌فرستند تا اهالی آنجا را به اسلام دعوت کرده، یا به پرداخت جزیه مکلف کند (عبدالکریم الهانی، ۲۰۰۰: ۱۳۴ و ۱۳۵). در هفتمین سال هجرت (۶۲۹م)، با دعوت *ابوالعلاء الحضرمی* به اسلام، پادشاه بحرین، به نام *المنذر بن ساوی التمیمی* و تمامی ساکنان این مجمع‌الجزایر به اسلام گرویدند؛ پس از آن، محبت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (ع) در میان مردم بحرین گسترش یافت، به گونه‌ای که ساکنان بحرین در قرن اول هجری به تشیع شهرت یافتند (سلمان، ۲۰۱۷: ۳۸). پس از دعوت *علاء حضرمی*، تمام آن دیار به اسلام گرویدند و اداره آن منطقه نیز به دستور پیامبر اکرم (ص) به خود شخص *علاء حضرمی* سپرده شد. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، ابوبکر، همچنان *علاء حضرمی* را در سمت امیر بحرین ابقا کرد اما پس از پایان خلافت ابوبکر و آغاز خلافت عمر بن خطاب، به دستور او برکنار شد (أبوالفضل، ۲۰۱۲/۱/۲۰).

چندی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، مسلمانان به دو گروه طرف‌دار اهل بیت (ع) و پیرو خلفا

تقسیم شدند اما مردم بحرین، همچنان طرفدار اهل بیت باقی ماندند و بر عقیده خویش پافشاری کردند. زید بن صوحان ربیع عبیدی، صعصعه بن صوحان عبیدی، حکیم بن جبلة عبیدی، عمر بن ابی سلمه، عبیدالله بن عباس، حارث بن مره عبیدی و رشید هجری از اولین مردان بحرینی بودند که در صدر اسلام عامل گسترش تشیع در این سرزمین شدند (بزرگمهری به نقل از اسلامی، ۱۳۸۷: ۳۳). کشور بحرین از صدر اسلام تا به امروز، یکی از مراکز مهم اجتماع شیعه بوده است. شواهد تاریخی بسیاری هم وجود دارد که عشق به پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان در دل مردم بحرین راه یافت و تا امروز نیز در قلب شیعیان این کشور همچنان وجود دارد؛ مردم این مجمع‌الجزایر از قرن اول هجری به مذهب تشیع شناخته شدند. آثار تاریخی فراوانی از شخصیت‌های بارز وجود دارد مبنی بر شیعه بودن مردم این منطقه (سلمان، ۲۰۱۷: ۳۸ و ۳۹). به سبب اصالت تاریخی و کثرت شیعیان در بحرین است که نزد ساکنان غیرشیعی خلیج فارس، کلمه «بحرانی» هم معنی با «شیعی» استعمال می‌شود (بازدار، ۱۳۸۹: ۵۷). غالب منابع تاریخی به این حقیقت اشاره دارند که ساکنان اصلی بحرین، عرب‌هایی شیعه هستند که به «البحارنه» معروف‌اند (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۵) و مطالب زیر، گواه بر این مدعاست:

- مقبره ابو عنبره: این مقبره که از گنج‌های با ارزش تاریخی و میراث گران‌بهای بحرین به‌شمار می‌رود، ارزش آن با اعداد و ارقام، قابل محاسبه نیست؛ در این منطقه، گورستان‌هایی باستانی وجود دارند که قدمت آنها به پیش از اسلام و به دوران «أوال»^۱ می‌رسد (المرایا، ۲۰۰۵/۸/۱۵)؛ در این مکان، قبرهایی هستند که پناهگاه بزرگان علما، فقها و شخصیت‌های تاریخی شده‌اند و تنها با مطالعه آنچه از مشخصات و تاریخ تولد و وفات علما روی قبور ثبت شده است، می‌توان به قدمت و اصالت ساکنان این جزیره پی‌برد.

- شهاب‌الدین ابی‌عبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی: وی متوفای قرن هفدهم هجری (۶۲۶ هـ) است که در کتاب *معجم البلدان*، جلد ۴، صفحه ۱۵۰، در باب «العین و المیم و ما بعدها»، در قسمت «عمان» می‌نویسد:

۱. تمدنی قدیمی در بحرین است که خاستگاه آن به تمدن سومریان در بین‌النهرین می‌رسد. بسیاری از پژوهش‌های تاریخی از این حکایت دارند که رابطه بسیار تنگاتنگی میان تمدن أوال و تمدن سومریان وجود داشته است به‌گونه‌ای که زبان نگارشی و گفتاری آنان، یکسان بوده است.

«اهل بحرین، همگی از روافض^۱ هستند. در نزدیکی آنان اقوامی سکونت دارند که با آنان مخالف هستند؛ نسب همه آنان به *عبدالله السبائی* می‌رسد که خود نیز به آن اذعان دارند. در میان خودشان، همگی این مذهب را قبول دارند و یک مخالف هم در میان آنان نیست مگر اینکه غریبه باشد».

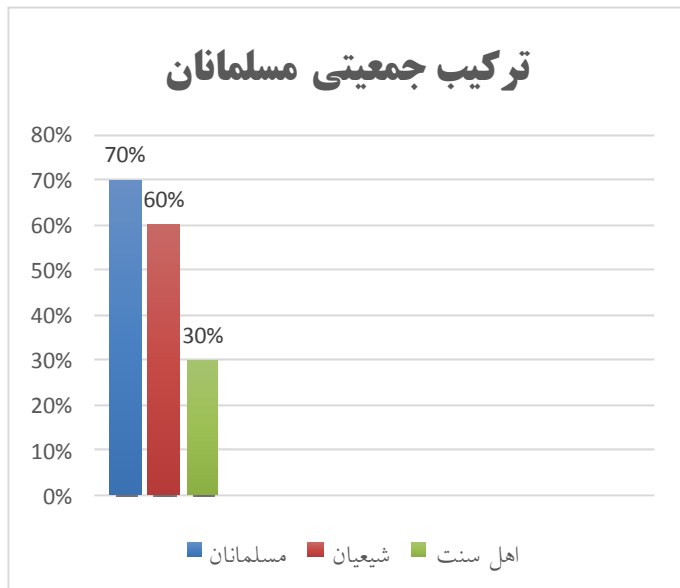
- *کتاب التحفة النبهانیة*: مورخی دیگر به نام *البلاط الخلیفی النبهانی* در کتابش با نام *التحفة النبهانیة* می‌گوید: «اغلب ساکنان بحرین، شیعیانی هستند که نسبت به برادران اهل سنت خود، بسیار تعصب دارند».

- *مسکوکات*: پول‌های سکه‌ای قرن شانزدهم هجری که روی آن نوشته شده است «علی ولی الله». اولین حکومت شیعی بحرین در سال ۵۴۴ هجری تأسیس شده و روی مسکوکات این حکومت، عبارت «علی ولی الله» درج شده بود. آثار تاریخی شخصیت‌های بارز شیعی مانند مقبره *صعصعه بن صوحان العبدی* و *قبر ابراهیم بن مالک اشتر* و *زید بن صوحان العبدی* در قرن اول هجری، از حضور علما و اصحاب شیعی در این منطقه نشان دارد (سلمان، ۲۰۱۷: ۳۹). در یکی از اسناد امپراتوری پرتغال در بحرین در سال ۹۹۶ هجری (۱۵۵۹م) بیان شده است که همه اهالی بحرین از روافض (شیعیان) هستند. تا پیش از سلطه خاندان آل خلیفه بر بحرین، علما و فقیهان شیعه با نگارش آثار فلسفی، فقهی و کلامی، نقشی ویژه در پیشبرد مکتب تشیع در این مجمع‌الجزایر داشته‌اند (سلمان، ۲۰۱۷: ۴۰ تا ۴۳).

طبق قانون اساسی سال‌های ۱۹۷۳ و ۲۰۰۲ بحرین، دین رسمی کشور بحرین، اسلام و زبان رسمی نیز عربی است لذا شریعت اسلامی، منبع اصلی قانون‌گذاری است؛ طبق این قانون، مذهب، عامل اصلی تقسیم‌بندی شهروندان این کشور است (المرشد، ۲۰۱۴: ۱۹). طبق آمار که کمیته حقیقت‌یاب بسیونی^۲ در دسامبر ۲۰۱۱ منتشر کرد، درصد ترکیب دینی و مذهبی مردم بحرین به شرح زیر است (سلمان، ۲۰۱۷: ۴۴):

۱. شیعیان را رافضی می‌نامند.

۲. *لجنة تقصي الحقائق*: کمیته حقیقت‌یابی است که پس از قتل و کشتارهای نظام آل خلیفه در سال ۲۰۱۱ م، با ریاست محمد شریف بسیونی تشکیل شد. کمیته از طرف پادشاه مأمور شد تا به صورت بی‌طرفانه و مستقل به بررسی حقایق و اموری که در زندان‌های بحرین [اتفاق‌افتاده] پردازد و شواهد خود را در قالب گزارش ارائه دهد؛ در نتیجه، نظام، خود را موظف کرد که به همه توصیه‌های بسیونی جامه عمل بپوشاند. گزارشی که در نهایت، این کمیته ارائه کرد اگرچه همه حقوق مردم بحرین را شامل نمی‌شد انقلابیون از آن زمان به بعد خواستار عملی شدن توصیه‌های بسیونی شدند.



نمودار ۱: ترکیب جمعیتی مسلمانان

منبع: (سلمان، ۲۰۱۷: ۴۴)

در بحرین، هویت‌های فرعی تأثیرگذار دیگری نیز وجود دارند که در کنار هویت ملی، وحدتی مشترک میان مردم به وجود می‌آورند اما عاملی که سبب شده است، هویت دینی بررسی شود، اختلاف برانگیز بودن هویت دینی میان حکومت بحرین و مردم این کشور است؛ در واقع باید بیان کرد که هویت دینی، نقشی بسیار مهم در اختلاف سیاسی و اجتماعی مردم با حکومت دارد (المرشد، ۲۰۱۴: ۳۰)؛ اغلب این مشکلات نیز از «منشور اقدام ملی» سرچشمه می‌گیرد که در پی آن، حکومت بحرین توانست با تفسیر مختار خود از این منشور، با اقتداری بیشتر شیعیان را از حکومت و سیاست بحرین دور سازد، چراکه نظام بحرین بر این باور است که شیعیان، خطری استراتژیک (راهبردی) برای این کشور به‌شمار می‌روند لذا توانست با تصویب منشور اقدام ملی از سوی مردم، بر تمرکز قدرت سیاسی خود بیفزاید و با تفسیری که خود از این منشور ارائه داد، شیعیان را از قدرت دور سازد (بوصفوان، ۲۰۱۲: ۵۰۷).

۲- ساختار سیاسی بحرین

ساختار نظام سیاسی در کشور بحرین به‌صورت پادشاهی وراثتی است. پادشاه، نقشی اساسی و

زیربنایی در تمامی این قوا دارد، زیرا او از جهت قانون‌گذاری هم‌پایه قوه مقننه بوده، قوای مجریه و قضاییه همچون نمایندگان او هستند. گذشته از نقش مشارکتی او در اعمال قوا، پادشاه می‌تواند کشور و دولت را از طریق احکام و دستورهای سلطنتی‌ای که به‌صورت مستقل از سایر قوا از جانب او صادر می‌شوند، اداره‌کند؛ باوجوداین، در قانون اساسی این کشور قیدشده‌است که قوای سه‌گانه مستقل بوده، مجاز نیستند در وظایف و اختیاراتهای یکدیگر، اعمال نفوذ و دخالت‌کنند.

۲-۱- قوه مجریه

طبق قانون اساسی سال ۲۰۰۲ که به‌صورت یک‌جانبه، پس از تصویب منشور اقدام ملی ازسوی پادشاه صادرشد، ریاست دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری را پادشاه برعهده‌دارد چراکه پادشاه، نیمی از اعضای قوه قضاییه را به‌صورت مستقیم انتخاب می‌کند؛ وی همچنین، اختیار صدور بیش از نیمی از بخشنامه‌ها و تصویب و ویرایش آنها را در اختیار دارد (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۴۰). مسئولیت اداره قوه مجریه را از آغاز استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱، شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه، به‌عنوان نخست‌وزیر بحرین، برعهده‌دارد. نخست‌وزیر براساس ماده ۳۳ قانون اساسی سال ۲۰۰۲ با حکم سلطنتی تعیین می‌شود؛ پادشاه نیز این اختیار و توانایی را دارد که هر وقت بخواهد نخست‌وزیر را عزل‌کند (سلمان، ۲۰۱۷: ۶۰).

۲-۲- قوه قضاییه

طبق ماده ۳۳ قانون اساسی ۲۰۰۲، اداره امور قوه قضاییه را شورایی که ازسوی پادشاه انتخاب می‌شود، برعهده‌دارد. بنابر ماده ۶۹ قانون اساسی ۲۰۰۲، پادشاه به شکل عملی، ریاست این شورا، ریاست دادگاه قانون اساسی، ریاست دادگستری و ریاست دادگاه‌های مدنی و نظامی را برعهده‌دارد چراکه تمام اعضای آنها و اعضای دادستانی عمومی با دستور سلطنتی انتخاب می‌شوند و حق مشارکت مردمی به مردم داده نمی‌شود (مرسوم به قانون رقم ۴۲، ۲۰۰۲: ۳۲).

۲-۳- قوه مقننه

براساس ماده ۵۱ قانون اساسی ۲۰۰۲، این قوه از نمایندگان منتخب مردمی و مجلس مشورتی تشکیل شده‌است که هر دو نهاد، دارای چهل (۴۰) عضو هستند. اعضای مجلس مشورتی ازسوی پادشاه منصوب می‌شوند. مجلس مشورتی در صلاحیت تصویب قوانین و بازنگری آنها، با مجلس

نمایندگان همکاری دارد. نمایندگان مجلس منتخب، هرگاه درخصوص لایحه یا طرحی تبادل نظرکنند، بحث درباره آن موضوع در مجلس مشورتی، مطرح می‌شود؛ اگر این پیشنهاد ازسوی مجلس مشورتی ردشود، به مجلس منتخب بازگردانده می‌شود. اگر پیشنهاد مجلس منتخب ازسوی مجلس مشورتی پذیرفته‌شود، به دولت ارائه می‌شود و اگر دولت نیز با آن موافقت کند، به پادشاه ارائه می‌شود و اگر پادشاه نیز آن را بپذیرد، آنگاه قانون اجرایی می‌شود؛ هرگاه این پیشنهادها را یکی از این ناظران تأیید نکنند، طرح یا لایحه پیشنهادی اجرایی می‌شود (الصالح، ۱۳۹۶/۷/۱۳).

۳- تحولات سیاسی - اجتماعی بحرین در دوران معاصر

قانون اساسی بحرین در ژوئیه ۱۹۷۳ در ۱۰۸ ماده به تصویب رسید و در آن «تساوی حقوق مردم، آزادی بیان و عقیده در مطبوعات و تشکیل مجلس ملی متشکل از نمایندگان مردم و نمایندگانی که ازسوی امیر تعیین می‌شوند»، تصریح شد (بازدار، ۱۳۸۹: ۸۴ و ۸۵)؛ برای نمونه در ماده ۱۸ قانون اساسی طرح شده بود که هیچ تفاوتی میان مردم در اموری مانند دین، زبان، نژاد، عقیده و جنسیت نیست (النیمعی، ۲۰۰۴: ۲۶).

مجلس این کشور نیز پس از صدور قانون اساسی، در همین سال تأسیس شد. با تأسیس مجلس انتخابی، شورای وزیران نیز در قانون‌گذاری با مجلس انتخابی مشارکت می‌کرد. مجلس انتخابی، فعالیت بسیار مؤثر انجام می‌داد و در مسیر احقاق حقوق شهروندان، بسیار کارآمد بود تا اینکه نمایندگان به مخالفت با قانون امنیت ملی^۱ مطرح شده ازسوی نظام پرداختند؛ این وضعیت به مذاق نظام خوش نیامد و موجب شد تا پادشاه، مجلس انتخابی را پس از گذشت هجده (۱۸) ماه از تأسیس آن منحل کند؛ پس از آن، قانون امنیت ملی بر بحرین حاکم شد و تا سال ۲۰۰۱ به طول انجامید (بی‌نا، ۲۰۱۶: ۶ و بی‌نا، ۲۰۱۴: ۴۲ و ۴۳).

در ۶ مارس سال ۱۹۹۹، پس از فوت ناگهانی شیخ عیسی بن سلمان بر اثر سکته قلبی، پس از دیدار با وزیر دفاع آمریکا، ویلیام کوهن، فرزند وی، حمد بن عیسی آل خلیفه که از سال ۱۹۶۴ مسند ولیعهدی را برعهده داشت، امیر بحرین شد (گلی زواره، ۱۳۹۰: ۴۸ و حرکه احرار البحرین الإسلامیه،

۱. قانون أمن الدولة: قانونی بود که پس از انحلال مجلس انتخابی و تعلیق قانون اساسی در سال ۱۹۷۵، حاکم بحرین، آن را تصویب کرد و در کشور به‌اجرا رسید و طبق [آن] نظام می‌توانست بدون محدودیت به مقابله با معترضان و مخالفان بپردازد.

بی تا: ۹۴). نماینده آمریکا در انگلستان به نام سر چارلز بلگریف نیز از وی حمایت می‌کرد تا هرچه زودتر امیر بحرین شود (یومیات بلغریف، ۲۰۰۹). دلیل حمایت گسترده آمریکا از حمد بن عیسی، این است که بحرین در سال ۲۰۰۰ به دلیل پرونده نامناسب حقوق بشر نتوانست به بازار اقتصاد جهانی وارد شود. آمریکا با مشاهده وضعیت نامناسب بحرین و خاندان آل خلیفه، از حمد بن عیسی حمایت کرد تا وی هرچه زودتر به قدرت رسیده و میزانی از آزادی سیاسی را در بحرین به وجود آورد تا برخی امتیازهای حقوق بشری در این کشور، جلوه‌گر شود. حمد بن عیسی در ابتدای قدرت خود با دادن وعده‌هایی نظیر اصلاحات سیاسی و اقتصادی به‌ویژه راه‌اندازی دوباره مجلس و قانون اساسی ۱۹۷۳ و رفع تبعیض‌های موجود ضد شیعیان توانست بسیاری از مردم را با خود همراه سازد (الدقاق، ۱۳۹۶/۴/۲ و حرکه احرار البحرین الإسلامیه، بی تا: ۷)؛ شیخ حمد، این موضوع را با بسیاری از رهبران جنبش‌ها سیاسی نخبگان مردمی بحرین که در زندان بودند، در میان گذاشت و با انجام برخی اصلاحات همچون: اجازه بازگشت تعدادی محدود از تبعیدیان سیاسی به کشور و آزادی ۱۵۰۰ زندانی سیاسی توانست رضایت نمایندگان مردم را به دست آورد؛ حمد بن عیسی با انجام چنین اقدام‌هایی توانست موافقت رهبران سیاسی بحرین را کسب کند و از مقبولیتی بیشتر نسبت به پدرش در جامعه بحرین، بهره‌مند شود. وی برای تحقق وعده‌هایش تغییرهایی را به نفع شیعیان صورت داد و همچنین به روزنامه‌های مخالف، گروه‌های حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی آزادی نسبی داد (درویشی سه تلانی و محمدی، ۱۳۹۳: ۴۰).

شیخ حمد، اصلاحات نهایی کشور را مشروط به تصویب منشور اقدام ملی بحرین دانست (السندی، ۱۳۹۶/۵/۷)؛ وی با رهبران سیاسی موجود در زندان نیز در خصوص این منشور و فواید آن دیدارهایی انجام داد و توانست اطمینان آنان را درباره مفید و بی‌خطر بودن منشور اقدام ملی به دست آورد؛ آنان نیز با سخنرانی در خطبه‌های نماز جمعه، رضایت کلی خود را برای پذیرش این منشور به مردم اعلام کردند (سلمان، ۲۰۱۷: ۲۴۴).

شیخ حمد، پس از بیان مفاد منشور در ۷ فوریه ۲۰۰۱، وعده‌هایی دیگر به صورت شفاهی به مردم ارائه داد و آنها را به تصویب و اجرای منشور اقدام ملی مشروط کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- آزادی غیرمشروط زندانیان و بازگرداندن تبعیدی‌های سیاسی؛
- اعطای شناسنامه به طبقه بدون شناسنامه؛
- تساوی میان همه شهروندان با لغو ساختار نژادی؛

- لغو قانون امنیت ملی؛

- راه‌اندازی دوباره مجلس انتخابی سال ۱۹۷۳.

مردم و نخبگان بحرینی معتقد بودند که منشور اقدام ملی بسان پلی است برای عبور از قانون امنیت ملی (المرزوق، ۲۰۱۴: ۱۴۵)؛ این منشور که به منشور «صلح ملی»^۱ نیز معروف است، موجب اعتماد و روی آوردن مردم به نظام بحرین و خاندان آل‌خلیفه شد. حمد بن عیسی پس از ترسیم آینده‌ای روشن در مقابل دیدگان نخبگان و مردم عادی بحرین، روزهای ۱۴ و ۱۵ فوریه ۲۰۰۱ را به‌عنوان روز همه‌پرسی عمومی برای منشور اقدام ملی تعیین کرد (النعیمی، ۲۰۰۴: ۱۴ و ۲۰) و مردم بحرین پس از گذر سال‌ها می‌توانستند از طریق این منشور به برخی از حقوقی که در گذشته از آن محروم بودند، دست‌یابند؛ از جمله آغاز فعالیت مجدد مجلس انتخابی که برای مدت ۲۷ سال، نظام حاکم، آن را منحل کرده‌بود (حاتمی و بغیری، ۱۳۹۱: ۶۳ و گلی زوار، ۱۳۹۰: ۵۰)؛ این منشور در ۱۴ و ۱۵ فوریه ۲۰۰۱ میلادی به‌رأی گذاشته‌شد و با ۹۸/۴ درصد آرای افراد بالای ۲۱ سال به‌تصویب‌رسید و در همان زمان، کار خود را آغاز کرد. پادشاه بحرین، قانون اساسی جدید را که در منشور ملی بیان‌شده‌بود، متشکل از ۱۲۵ اصل، در ۱۴ فوریه ۲۰۰۱ تصویب‌کرد (المرزوق، ۲۰۱۴: ۱۴۷ و هاشمی‌نصب، ۱۳۸۹: ۲۲).

یک سال پس از صدور و تصویب منشور اقدام ملی، پادشاه بحرین از قانون اساسی جدیدی پرده‌برداشت؛ این قانون اساسی که در روز جشن سالگرد تصویب قانون اساسی رونمایی‌شد، دارای ویرایش‌هایی بسیار نسبت به منشور اقدام ملی بود (سلمان، ۲۰۱۷: ۵۰). براساس قانون اساسی جدید، مجلس قانون‌گذاری به دو بخش تقسیم‌شد: مجلس مشورتی و مجلس انتخابی؛ این دو مجلس به‌ظاهر در میزان و صلاحیت‌ها یکسان بودند اما باین‌حال، رئیس مجلس مشورتی، حق رهبری مجلس انتخابی را نیز برعهده‌داشت. قانون اساسی صادرشده در سال ۲۰۰۲، کم‌رنگ‌ترشدن نقش و مشارکت مردم را در اداره کشور در پی‌داشت.

برخی از اختیارات قانونی پادشاه در قانون اساسی ۲۰۰۲ عبارت‌اند از:

۱- نظارت مستقیم بر هیئت دولت از طریق وزرای انتصابی و پاسخ‌گویی تمام وزیران به پادشاه؛

۲- تعیین و برکناری نخست‌وزیر با صدور حکم سلطنتی و تعیین وزرا بنابه پیشنهاد نخست‌وزیر؛

۳- تعیین و برکناری اعضای مجلس مشورتی؛

۴- فرماندهی عالی نیروهای مسلح؛

۵- ریاست شورای عالی قضایی؛

۶- تعیین قضات بنابر پیشنهاد شورای عالی قضایی؛

۷- اعطا و بازپس‌گیری درجات کشوری و لشکری؛

۸- داشتن حق توشیح یا عدم توشیح مصوبات مجلس (هاشمی‌نصب، ۱۳۸۹: ۲۲).

طبق قانون اساسی ۲۰۰۲، نظام بحرین نه پادشاهی مشروطه بلکه به نظامی اقتدارگرا تبدیل شد که تمام قدرت در اختیار پادشاه قرارگرفت؛ این اتفاق، خشم و اعتراض مردم و برخی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی این کشور را برانگیخت به گونه‌ای که رهبران الوفاق و سه جمعیت دیگر در سال ۲۰۰۲ و هم‌زمان با اصلاحیه‌ای که در آن پادشاه در قدرت قانون‌گذاری، سهم می‌شد، در اعتراض به این اقدام پادشاه، انتخابات مجلس را تحریم کردند اما تعدادی از گروه‌های سیاسی سنی و سلفی در انتخابات شرکت کردند (حاتمی و بغیری، ۱۳۹۱: ۶۳ و ۸۱).

موضوع منشور اقدام ملی و قانون اساسی جدید سال ۲۰۰۲ (که به آن، «دستور ۲۰۰۲» اطلاق می‌شود)، یکی از مهم‌ترین عوامل خیزش جنبش ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ بحرین به‌شمار می‌رود. برای درک علل اختلاف‌های مردم و حکومت درخصوص این موضوع، مهم‌ترین مفاد این منشور واکاوی خواهد شد.

۴- واکاوی مؤلفه‌ها و اصول کلی مهم‌ترین مفاد منشور اقدام ملی

برای [ایجاد] درکی صائب درباره مفاد منشور اقدام ملی و کنش دستگاه حاکم در قبال آن، مهم‌ترین مفادی که مرتبط با موضوع پژوهش بوده، با هویت دینی مردم بحرین مرتبط است بررسی می‌شود.

۴-۱- برخی از مفاد منشور ملی

۴-۱-۱- تغییر عنوان حاکم بحرین از «امیر» به «پادشاه» (که تشریفاتی شدن نقش پادشاه و پررنگ‌تر شدن نقش نمایندگان مجلس‌ها را موجب می‌شود)؛

۴-۱-۲- ایجاد مملکتی مبتنی بر قانون اساسی (که این قانون اساسی با مفاد دموکراتیک مانند اعطای بسیاری از حقوق و آزادی‌ها به مردم همچون: حق برگزاری انتخابات آزاد و حق داشتن

مجلس تطابق خواهد داشت؛

۴-۱-۳- آزادی بسیاری از زندانیان سیاسی؛

۴-۱-۴- تشکیل سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه و فعالیت آنان به صورت مستقل؛

۴-۱-۵- قرارگرفتن مردم در مقام منشأ انتخاب دستگاه‌های حکومتی؛

۴-۱-۶- انتخاب رئیس قوه مجریه از سوی مردم.

۴-۲ واریسی و نقد منشور اقدام ملی

۴-۲-۱- در بند (پاراگراف) سوم این منشور چنین بیان شده است:

«بحرین از ابتدای اینکه دعوت بزرگوارانه اسلامی را پذیرفت و با اختیار و اقتناع، به دین خدا وارد شد، از همان ابتدا نخستین مدافع این دین بود و پرچم این دعوت را از طریق آب‌های دریا به آن طرف سواحل خلیج (فارس) تا سرزمین هند حمل کرد. دارایی‌های بحرین به هر حال، منبعی برای مدخل بیت‌المال مسلمین شد...» (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۵).

۴-۲-۲- در فصل دوم، بخش سوم این منشور نیز بیان شده است:

«دین حکومت، اسلام و احکام اسلامی، منبع اصلی قانون‌گذاری است» (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۱۵).

طبق متن بالا، حمد بن عیسی، پادشاه بحرین، خود نیز اذعان دارد که این کشور، مهد تمدن اسلامی بوده است و مردم بحرین از زمان دعوت پیامبر تاکنون به دین اسلام گرویده‌اند؛ این در حالی است که منابع دیگر نیز از این نشان‌دارند که اکثریت مردم این کشور، دارای مذهب تشیع بوده و هستند لذا بایستی محیط کشوری، محیطی اسلامی بوده، به مسلمانان این کشور برای انجام فعالیت مذهبی اجازه داده شود؛ این در حالی است که آل‌خلیفه نه تنها شیعیان این کشور را در فعالیت‌های مذهبی مانند برگزاری مراسم‌های سخنرانی دینی، عزاداری حسینی، برگزاری نیمه شعبان، شرکت در حسینیه‌ها و مساجد، شرکت در تشییع پیکر کشته‌شدگان و ...، در مضیقه قرار می‌دهد، بلکه از دهه ۹۰ تاکنون، به تخریب مساجد شیعیان پرداخته (الشهابی، ۱۹۹۶: ۲۱۵) و بسیاری از علما و روحانیان شیعه را بازداشت کرده است. بازداشت روحانیون از دوران پادشاهان گذشته تا امروز، امری رایج بوده، اما در دوران معاصر شدت یافته است به گونه‌ای که بحرین، امروزه بیشترین تعداد روحانیان زندانی را دارد (الصالح، ۲۰۱۵: ۶۴)؛ علاوه بر آن، ترویج مشاغل پردرآمد غیراخلاقی که با هویت دینی جامعه بحرین در تعارض است، کشور بحرین را به فاسدترین کشورها تبدیل کرده است. کشور بحرین به سبب

بی‌اعتنایی آل خلیفه به مفاهیم و ارزش‌های دینی، در سال ۲۰۰۳، از نظر فساد اخلاقی به هشتمین شهر فاسد جهان (Smart Travel, 2017; Slackman, 2011) و در سال ۲۰۱۴ به دومین شهر فاسد جهان تبدیل شد (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۷۰؛ pujani, 2014). تجاوز به ارزش‌های دینی و گسترش فساد و فحشا در تمام جامعه و حتی ادارات دولتی بحرین، باعث خشم مردم این کشور و ایجاد جنبش‌های اجتماعی شده‌است (النوری، ۱۳۹۵: ۲۲۸ و ۲۲۹)؛ این در حالی است که مردم اصیل بحرین از قدیم مردمی مذهبی بوده‌اند؛ این ایمان و اعتقاد به اسلام به‌گونه‌ای بود که شیعیان این کشور از دیرباز به عزاداری حسینی در ایام محرم می‌پرداختند (المرشد، ۲۰۱۴: ۳۱).

بسته‌شدن مراکز دینی، مؤسسات فرهنگی شیعی، جلوگیری از فعالیت‌های علمی علمای دین، بازداشت گسترده آنان (المحفوظ، ۲۰۱۵: ۸۷)، زیرنظر بودن فعالیت‌های روحانیان مذهبی، تخریب مساجد و حسینیه‌ها، جمع‌آوری شعائر دینی از سطح جامعه، گسترش فساد و فحشا و ... از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی و مذهبی مردم بحرین بوده‌است (امیردهی، ۱۳۹۰: ۱۳۷)؛ پیش از این وضعیت، همواره جنبش‌های مردمی بحرین، رنگ و بوی اسلامی داشت و همواره پرچم‌های یا حسین (ع)، یا علی (ع) و یا زهرا (ع) در تظاهرات خیابانی و مراسم عزاداری به‌هتزاز درمی‌آمد. پوشاندن تابوت شهدا با پرچم یا حسین (ع) و اقامه نمازهای جمعه و جماعت از نشانه‌های متقن دینی و مذهبی بودن هویت اکثریت مردم بحرین است (ابطحی، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

اقدام‌های حکومت بحرین که خارج از چارچوب دینی و اخلاقی است، نوعی تقابل با هویت دینی اکثریت مردم بحرین به‌شمار می‌رود لذا به‌چالش کشیده‌شدن هویت دینی مردم این کشور از سوی خاندان آل خلیفه، یکی از مهم‌ترین مواضع اختلاف مردم و حکومت در بحرین است.

۴-۲-۳- در فصل نخست، بخش اول، مفهوم عدالت، نخستین موضوع مطرح‌شده در منشور اقدام

ملی است که بیان می‌کند:

«عدالت، اساس حکومت است و برابری، برتری قانون، آزادی، امنیت، آرامش، اطمینان، دانش، همراهی اجتماعی و برابری فرصت‌ها میان شهروندان، همگی ارکان جامعه هستند که حکومت آنها را تضمین کرده و برعهده‌گرفته‌است...» (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۱۰).

۴-۲-۴- در فصل نخست، بخش دوم چنین بیان شده‌است:

«آزادی‌های شخصی تضمین شده‌است و برابری میان شهروندان و عدالت و برابری فرصت‌ها، (همه اینها) ارکان جامعه هستند. شهروندان در برابر قانون در حقوق و وظایف یکسان هستند و هیچ

تفاوتی میان آنها به دلیل جنسیت یا اصالت یا زبان یا دین یا عقیده نیست و این مطلب را پادشاه در اولین سخنرانی خود خطاب به مردم، یک روز پس از در دست گرفتن قدرت بیان کرد...» (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۱۱). عدم تبعیض میان شیعه و سنی و توقف سیاست التجنیس،^۱ یکی از مطالبه‌های بنیادین مردم بحرین در گذشته و حال بوده است. در پی سیاست تبعیض طایفه‌ای، شیعیان بحرین که از مردم بومی این کشور به‌شمار می‌آیند، به صورت رسمی، شهروند درجه چهارم و به صورت عملی، شهروند درجه پنجم بحرین به‌شمار می‌آیند. خاندان آل خلیفه، شهروندان درجه اول؛ اهل سنت، درجه دوم؛ خارجی‌هایی که تابعیت بحرینی به دست آورده‌اند، درجه سوم و شیعیان بحرین، شهروندان درجه چهارم هستند؛ برخی نیز بر این باورند که در عرصه عمل، خارجی‌هایی که در بحرین حضور دارند، شهروندان درجه چهارم بوده، شیعیان، شهروندان درجه پنجم به‌شمار می‌آیند (سلمان، ۲۰۱۷: ۲۰۱).

در پی سیاست تبعیض طایفه‌ای، شیعیان بحرین به دلیل انتساب به مذهب تشیع، از بسیاری از خدمات اجتماعی و شغلی محروم هستند؛ در واقع به دنبال این سیاست، آنان همواره به‌عنوان آخرین افرادی بودند که به خدمات اجتماعی و شغلی دست می‌یافتند؛ امروزه نیز شیعیان از برخی امتیازهای محدود که در گذشته بهره‌مند بودند، محروم شده‌اند؛ برای نمونه، در گذشته از میان شیعیان چهار (۴) نفر به‌عنوان وزیر برگزیده می‌شدند اما امروزه خیر (سلمان، ۲۰۱۷: ۲۰۶).

در پی سیاست التجنیس نیز تلاش شده است تا به اندازه بسیار زیادی، مردم اهل سنت متعصب کم‌سواد، از کشورهای دیگر به بحرین وارد شوند و به آنان شناسنامه بحرینی اعطا شود تا درصد جمعیتی آنان در سال ۲۰۳۰، به ۴۰ درصد برسد. طبق ماده ششم قانون اساسی سال ۲۰۰۲، در پی تصویب منشور اقدام ملی و قانون اساسی بازنویسی‌شد، پادشاه این قدرت را دارد که به اختیار خود به هر کسی که تمایل دارد، تابعیت بحرینی اعطا کند. ملک حمد از این ماده استفاده کرده، در حال اعطای تابعیت به اهل سنت کشورهایمانند پاکستان، افغانستان، اردن، سوریه، هندوستان و برخی کشورهای آفریقایی است؛ این امر سبب شده است تا امروز، سی هزار پاکستانی با تابعیت بحرینی در این کشور وجود داشته باشند و پنج هزار نفر دیگر نیز در انتظار کسب تابعیت هستند (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۶۸-۱۶۹). این اقدام‌های آل خلیفه، مصداق بارز نفی عدالت، در همه سطوح اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی آن است. بازگشت به اسلام و احیای سنن اسلامی و اجرای عدالت و نفی هرگونه ظلم و ستم

۱. وارد کردن اهل سنت متعصب و کم‌سواد غیر بحرینی به بحرین و اعطای تابعیت و مزایای اجتماعی به آنان

از خواسته‌های اصلی مردم بحرین به‌ویژه در سال‌های اخیر است. شیخ سعید النوری، یکی از رهبران جریان وفاء اسلامی^۱ بحرین در جلسه محاکمه نظامی خود در دادگاه نظامی آل‌خلیفه، خواستار عدالت اجتماعی در زندگی مردم بحرین شد و درخواست کرد که مردم، منبع و منشأ دستگاه‌های حکومتی باشند؛ وی با بیان فسادهای گوناگون موجود در دستگاه‌های حکومتی آل‌خلیفه، تحقق عدالت اجتماعی را از ضروریات جامعه بحرین و خواسته مردم دانست (السلمان، ۲۰۱۷: ۷۵ و النوری، ۲۰۱۳: ۱۰۵).

۴-۲-۵- در فصل نخست، بخش دوم، درخصوص امور امنیتی و قضایی، چنین قید شده است: «آزادی شخصی مطابق با قانون تضمین شده است. دستگیری، بازداشت، زندانی کردن، تعقیب یا محدود کردن سکونت‌گاه یا مقید کردن آزادی در محل اقامت یا جابه‌جایی، تنها مطابق قانون و تحت کنترل قوه قضاییه ممکن است. تحت هر شرایطی، شکنجه کردن مادی، جسمی، روحی و معنوی هر انسانی یا برخورد غیرانسانی یا خوارکننده یا نابودکننده کرامت انسانی، جایز نیست. هرگونه اعتراف یا کلامی که زیر فشار شکنجه یا تهدید یا فریب رانده شود، باطل است. هیچ جرمه و هیچ مجازاتی وجود ندارد مگر در چارچوب قانون. هیچ مجازاتی جایز نیست مگر برای اقدام‌های دیگری که فرد خطاکار انجام داده و اجرای قانون، به مجازات آن فرد خطاکار، منوط است. مجازات فردی و اتهام متهم تا زمانی که اثبات شود، بی‌اساس خواهد بود و فرد، بی‌گناه است. براساس محاکمه عادلانه، تمامی ضمانت‌هایی که برای او حق دفاع را در تمام مراحل تحقیق و محاکمه مطابق با قانون تأمین می‌کند، فراهم می‌شود. می‌بایست برای هر متهم، وکیلی در نظر گرفته شود تا با موافقت او، امر دفاع کردن از وی را برعهده بگیرد. مناطق مسکونی در حریم امن و محافظت هستند، پس بدون اجازه ساکنان منزل، ورود و جستجو جایز نیست اما در حالت به‌طورکامل ضروری که قانون تحت نظارت قوه قضاییه مشخص می‌کند، این امر، مجاز می‌شود» (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۱۱ و ۱۲).

این مفاد از منشور اقدام ملی با اقدام‌های نیروهای امنیتی حکومت در سال ۲۰۱۱ در تعارض است. نیروهای امنیتی حکومت بحرین، برای سرکوب جنبش ۱۴ فوریه این کشور، تمام مفاد بالا در منشور اقدام ملی را نقض کرده، به شیوه‌ای نامناسب با آنان برخورد کردند. رهبران جنبش ۱۴ فوریه، در دادگاه‌های نظامی آل‌خلیفه، به شرح رفتار نیروهای نظام پرداختند؛ این افراد که از مقبولیت اجتماعی

۱. تبار الوفاء الإسلامی

قابل توجهی در جامعه بحرین بهره‌مندند، بیان کرده‌اند که آل‌خلیفه، آنان را در دوره بازداشت در زندان‌های «الجو»، «القرین» و «الحوض الجاف» از کمترین حقوق انسانی محروم کرده و همواره سعی کرده‌بود تا هنگام بازرسی کمیته حقیقت‌یاب بسیونی، بر حقایق پرده‌بگذارد؛ در واقع باید اعلام کرد که رفتار نیروهای نظام با افراد عادی و شهروندان معمولی، بسیار نامناسب‌تر از آنچه در بالا بیان شد، بوده‌است. مبارزان زندانی بحرین خود را ساکنان حقیقی مجمع‌الجزایر بحرین معرفی می‌کنند که خاندانی غیربحرینی، آنان را تحت سلطه و سیطره قرار داده‌است؛ آنان اوج تأسف را در خصوص تحت ظلم و ستم قرار گرفتن از جانب نیروهای مزدور غیربحرینی می‌دانند که آل‌خلیفه این مزدوران را از کشورهای دیگر به بحرین آورده‌است (الصالح، ۲۰۱۵: ۸۹ و مرزوق، ۲۰۱۷: ۱۸۷ و ۵۳۰)؛ این مبارزان، خود و مردم مطالبه‌گر بحرین را افرادی اصیل، با فرهنگ و تحصیل کرده معرفی می‌کنند که برای ایجاد نظامی مردم‌سالار و مبتنی بر عدالت به‌پا خاسته‌اند.

بسیاری از رهبران دربند جنبش ۱۴ فوریه که از شیعیان بودند، خود را اکثریت شیعه معرفی می‌کنند که نظام سنی‌مذهبی، آنان را تحت سلطه قرار داده‌اند که حتی به اهل سنت معتدل نیز ظلم می‌کنند (السندی، ۱۳۹۶: ۵۱ و ۵۹) چراکه نظام آل‌خلیفه، حتی رهبر اصلاح‌طلب جمعیت الوعد^۱ را که از اهل سنت و خواهان اصلاحات بوده‌است، نیز بازداشت کرد و تحت شکنجه قرارداد (النوری، ۱۳۹۵: ۲۴۹ و المتروک، ۲۰۱۷: ۲۰، ۳۷، ۴۴، ۸۰، ۹۹ و ۱۸۴). نیروهای امنیتی آل‌خلیفه برخلاف بند پنجم این بخش، بدون اینکه اتهام بازداشت‌شدگان مشخص شود، آنان را برای بیش از شش ماه در زندان نگه می‌داشتند و برخی مواقع تا شش ماه محاکمه نمی‌کردند؛ این در حالی است که اگر زندانی تا سه ماه محاکمه نشود، بی‌گناه محسوب شده، باید آزاد شود (السندی، ۲۰۱۶: ۲۷۴).

نیروهای امنیتی نظام، بدون هیچ حکم قضایی به خانه متهمان یورش برده، داخل منزل می‌شدند و به مصادر اموال شخصی اهل خانه اقدام می‌کردند (السنگیس، ۲۰۱۳: ۱۲۱)؛ این در حالی است که طبق بند ششم، بخش دوم فصل نخست که بیان می‌کند: «مناطق مسکونی در حریم امن و محافظ هستند پس بدون اجازه ساکنان منزل، ورود و جستجو جایز نیست اما در حالت به‌طور کامل ضروری که قانون تحت نظارت قوه قضاییه مشخص می‌کند، این امر، مجاز می‌شود»، این افراد می‌بایستی حکم قضایی به‌همراه می‌داشتند. طبق بند هفت این بخش از منشور اقدام ملی، نیروهای امنیتی، در بازرسی،

۱. ابراهیم شریف السید موسی

بازداشت و بازجویی، باید تمام نکات حقوقی را رعایت کنند، درحالی‌که این نکات نسبت به هیچ‌یک از شخصیت‌های بارز اجتماعی و حقوقی بحرین همانند *عبدالهادی الخواجه*، رئیس مرکز حقوق بشر بحرین نیز رعایت نشد، چه برسد به افراد عادی.

۴-۲-۶- آزادی بیان و نشر، موضوع بخش چهارم فصل نخست است که در منشور ملی به شرح

زیر بیان شده است:

«هر شهروندی حق دارد، نظریات خود را از طریق گفتار، نوشتار و قلم یا از هر طریقی دیگر از روش‌های اظهارنظر یا خلاقیت شخصی بیان کند؛ و تحت این قانون، آزادی تحقیق‌های علمی، آزادی انتشار، روزنامه‌نگاری و چاپ در حدودی که قانون آن را بیان می‌کند، تضمین شده است» (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۱۲).

این امتیاز که در منشور اقدام ملی سال ۲۰۰۲ به مردم داده شد، در سال‌های قبل از تصویب نقض شده و همچنان نیز نقض می‌شود؛ دلیل این تجاوز از سوی نظام نیز این است که خاندان آل خلیفه از رسانه می‌ترسند. ترس حکومت از فعالیت اصحاب رسانه یا حتی فعالان فضای مجازی سبب شده تا بسیاری از روزنامه‌ها و سامانه‌های خبری و اجتماعی، تعطیل و بسیاری از فعالان فضای مجازی نیز بازداشت شوند. محدودیت بسیار شدید حکومت بحرین ضد فعالیت روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه داخلی و خارجی موجب شده تا این کشور از سوی سازمان خبرنگاران بدون مرز،^۱ به‌عنوان دومین کشور خطرناک برای اصحاب رسانه برشمرده شود؛ طبق آنچه این سازمان به‌ثبت رسانده است، در سال ۲۰۱۱، تعداد سی روزنامه‌نگار بحرینی بازداشت شدند و با آنها بدرفتاری شد و شکنجه شدند (بی‌نا، ۲۰۱۲: ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۷ و ۴۴۷). بحرین از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۴ برای سه سال متوالی از سوی سازمان «freedom house» جزء کشورهای بسته رسانه‌ای به‌شمار رفت که از آن با عنوان «دشمن اینترنت» یاد شد؛ این کشور در سال ۲۰۱۴، رتبه ۱۸۸ را در میان کشورهای آزاد رسانه‌ای از سوی این سازمان کسب کرد (المسقطی، ۲۰۱۴/۱/۲۵ و سلمان، ۲۰۱۷: ۱۱۴ و ۱۱۵). دولت بحرین در طول جنبش ۱۴ فوریه بحرین برای بسیاری از خبرنگاران رسانه‌های خارجی از جمله خبرنگاران *لس آنجلس تایمز*، *نیویورک تایمز*، *رادیو بی بی سی*، *وال استریت جورنال*، *کریستین ساینس مانیاتور* و شبکه *الجزیره*، روایت و ورود به کشور صادر نکرد. نظام بحرین علاوه بر اینکه به بسیاری از خبرنگاران خارجی همچون: *نیکولاس کریستف*، خبرنگار روزنامه *نیویورک تایمز* برای ورود به بحرین روایت‌داد، بلکه برخی از خبرنگاران خارجی موجود در بحرین را تهدید کرد. حکومت بحرین در تعامل با خبرنگاران

1 . reporters without borders

داخلی نیز شیوه‌ای متفاوت را درپیش گرفت و به ضرب و شتم آنان پرداخت و برخی از آنان را نیز همانند/حمد/اسماعیل، هدف گلوله قرارداد؛ این نمونه از رفتار نظام بحرین با صاحبان رسانه‌های داخلی و خارجی، موجب سقوط شدید جایگاه این کشور در میان کشورهای دارای آزادی رسانه شد (بی‌نا، ۲۰۱۳: ۲۸ و ۲۹).

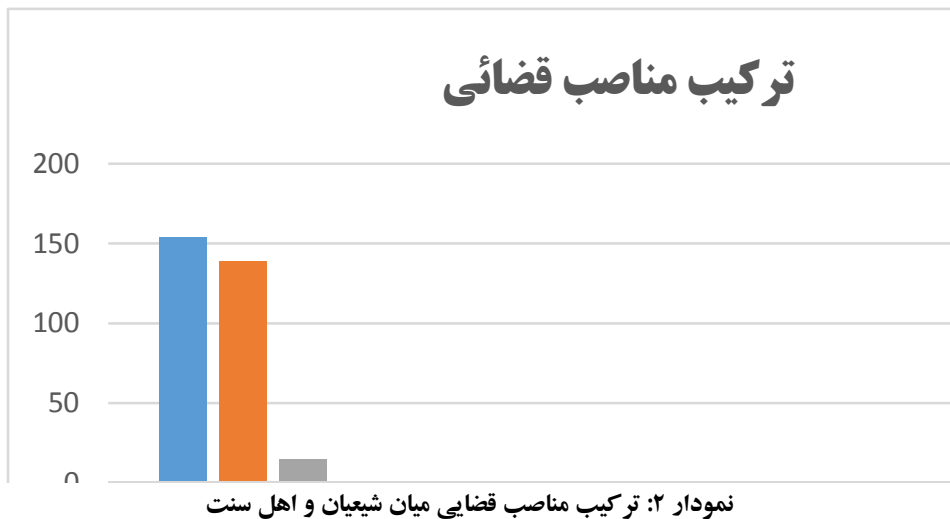
۴-۲-۷- در زمینه فرصت‌های شغلی، در بخش هفتم، فصل اول چنین بیان شده است:

«کارکردن، واجب بوده، حق کار برای هر شهروندی واجب است که وقار و کرامت آن را اقتضا کرده، خیر عمومی آن را واجب می‌کند و هر شهروندی حق کارکردن دارد و حق دارد، نوع آن را با توجه به نظم عمومی و اخلاق انتخاب کند. حکومت باید فرصت‌های شغلی را با رعایت عدالت، برای شهروندان در برنامه‌های ملی توسعه اقتصادی فراهم سازد و باید توجه داشت که امکان کار اجباری بر هیچ‌کسی جایز نیست مگر در شرایطی که قانون، آن را مشخص کند و به دستمزد ملی و عادلانه، نیازمند باشد. قانون، روابط میان کارگر و صاحبان کار را براساس مبانی اقتصادی با رعایت قوانین عدالت اجتماعی سامان می‌بخشد» (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۱۳).

این بند از منشور اقدام ملی با آنچه در عرصه واقعیت صورت می‌پذیرد، اختلاف دارد و اصلاح آن، یکی از مطالبه‌های جدی مردم از حکومت است. به‌رغم اینکه بحرین، جزء کشورهایی به‌شمار می‌رود که درآمد شهروندان در آن بالاست، توزیع نامناسب ثروت ملی، سیاست سرمایه‌گذاری اشتباه و هدمند، فساد مالی و اداری، تبعیض و سیاست التجنیس موجب شده است تا عده‌ای اندک، بسیار ثروتمند و عده زیادی نیز محروم و فقیر شوند. کمیته حقیقت‌یاب بسیونی نیز در بند ۵۴ گزارش خود بیان می‌کند که توزیع ثروت در بحرین به شیوه ناعادلانه صورت می‌پذیرد و این امور، موجب فقر بیش‌ازپیش شیعیان شده است به‌گونه‌ای که در بازار و خیابان‌های بحرین و کنار مساجد، برخی از مستمندان شیعه بحرینی به‌چشم می‌خورند که در حال تکدی‌گری هستند؛ این امر سبب شده است تا این قشر از مردم بحرین به «هنود الخلیج»^۱ شهرت یابند (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۵۹ تا ۱۶۱).

بی‌عدالتی در توزیع مشاغل، نه تنها در قشر کارگر بلکه در میان اقشار تحصیل کرده شیعی نیز وجود دارد. شیعیان بحرین که به‌صورت نسبی از سطوح علمی و آموزشی بالاتری نسبت به دیگر گروه‌ها و طوایف این کشور بهره‌مند هستند، از اشتغال در مناصب و مشاغلی که بسیار وابسته به

دانش و آگاهی است، محروم هستند؛ این امر در برخی مشاغل بسیار امنیتی و قضایی بیشتر به چشم می‌خورد. مشاغل امنیتی این کشور، به‌طورعمده در اختیار اهل سنت متعصب و کم‌سواد قرار داده می‌شود؛ این وضعیت در مشاغل قضایی به شیوه‌ای دیگر جریان دارد؛ بدین صورت که بیشتر مشاغل قضایی به وابستگان نظام یا اهل سنت نزدیک و متمایل به نظام داده می‌شود؛ این وضعیت در سال ۲۰۱۴ به شرح زیر بوده است.



نمودار ۲: ترکیب مناصب قضایی میان شیعیان و اهل سنت

منبع: (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۴۷ - ۱۴۹)

۴-۲-۸- فصل دوم منشور اقدام ملی بحرین، درخصوص ساختار حکومتی سخن می‌گوید؛ در بخش نخست این منشور چنین بیان شده است:

«پادشاه در رأس حکومت است و ذات و مقام او محفوظ است و نباید مورد تعدی قرارگیرد. او فرمانده عالی کل قواست و نماد ثبات کشور و بستری بنیادین است که نظام حکومتی بحرین روی آن تکیه می‌کند. پادشاه، قدرت خود را از طریق وزرای خود به شکل مستقیم اعمال می‌کند. وزرا مقابل پادشاه باید پاسخ‌گو باشند و اوست که نخست‌وزیر و وزرا را تعیین می‌کند و آنها را طبق قدرتی که در قانون بیان شده است، از پست‌هایشان برکنار می‌کند» (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۱۵).

۴-۲-۹- در بخش سوم این فصل نیز بیان شده است:

«مردم، منبع تمامی دستگاه‌ها و مناصب دولتی هستند. ساختار حکومت در بحرین دموکراتیک است و رهبری در آن به مردم تعلق دارد و مردم، منبع تمام دستگاه‌های دولتی هستند. رهبری مردم در

کشور به صورت مشخص در قانون اساسی بیان شده است» (بی‌نا، ۲۰۱۱: ۱۶ و ۱۷). در بخش سوم این فصل، مردم به عنوان منشأ و عامل انتخاب و تأثیرگذاری بر مناصب دولتی شناخته می‌شوند و این در حالی است که پادشاه در بخش اول این فصل، خود را تعیین کننده ساختار دولت و کابینه آن معرفی می‌کند؛ علاوه بر آن، دیگر اعضای خاندان سلطنتی نیز در عزل و نصب افراد تأثیر دارند (سلمان، ۲۰۱۷: ۶۵، ۱۰۴ و ۲۰۰)؛ در واقع با این اقدام پادشاه، در عمل، مردم در دولت نقش ندارند، زیرا پادشاه، رئیس دولت را که نخست وزیر است، منتصب می‌کند؛ علاوه بر آن، شخص پادشاه، وزرای دیگر را نیز عزل و نصب می‌کند و نه مجلس انتخابی؛ حتی در صورتی که مجلس انتخابی مردم نیز، مسئول تعیین وزرا باشد، با ساختاری که پادشاه در قوه مقننه به وجود آورده است، در عمل، بار دیگر، نظام، وزرا را انتخاب می‌کند چرا که قوه مقننه، علاوه بر مجلس نمایندگان، دارای مجلس مشورتی نیز هست. اعضای مجلس مشورتی که چهل نفر و به تعداد نمایندگان مجلس انتخابی هستند، به صورت مستقیم از سوی پادشاه انتخاب می‌شوند؛ این مجلس، به بیان پادشاه، نقش مشورتی در قوه مقننه بر عهده دارد اما در عرصه واقع، تصمیم‌های مجلس انتخابی را جرح و تعدیل می‌کند. مجلس مشورتی، خود یکی از موضوع‌های اختلافی میان مردم و حکومت است به گونه‌ای که رهبران دینی و سیاسی بحرین از جمله آیت‌الله عبدالامیر الجمری،^۱ آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم،^۲ شیخ علی سلمان^۳ و استاد عبدالوهاب حسین،^۴ در سال ۲۰۰۲ درباره این مجلس به گفتگو با ملک حمد، پادشاه بحرین پرداختند؛ وی نیز به آنان اطمینان داد که این مجلس مشورتی است، در حالی که مشورتی نبوده، در قوانین و لوایح مجلس انتخابی دخالت می‌کند (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۹۰ و ۱۹۱).

۴-۲-۱۰- بخش ششم فصل دوم، به حاکمیت قانون و استقلال قوه قضاییه، مربوط است. نخبگان جامعه به ویژه سیاسیون و حقوق دانان، بسیار در این خصوص از نظام گله‌مندند چرا که این افراد با استناد به قوانین حقوقی بین‌المللی و ساختار کشورهای دموکراتیک، مدعی هستند که در بحرین، قانون حاکمیت ندارد و دستگاه قضایی نیز مستقل نیست. «القضاء المسیس»^۵ عبارتی است که

۱. رهبر معنوی مردم بحرین

۲. رهبر معنوی مردم بحرین

۳. دبیر کل جمعیت الوفاق الوطني الاسلامی

۴. رئیس جریان الوفاء الاسلامی

۵. دادگاه سیاسی

رهبران زندانی شده جنبش ۱۴ فوریه، بارها در دادگاه نظامی آل خلیفه آن را تکرار کردند (المقداد، ۲۰۱۳: ۱۱ و النوری، ۲۰۱۳: ۱۴۱)؛ آنان بر این باورند که دستگاه قضایی به‌طور کامل به نظام، وابسته بوده، احکامی که صادر می‌کنند نیز به‌طور کامل سیاسی است؛ این افراد به عدم تناسب اتهام، جرم و احکام صادره از سوی دادگاه اشاره کرده، بیان کردند که قضات دادگاه، به‌ویژه دادگاه نظامی به‌طور کامل به حکومت، وابسته بوده، از استقلال لازم بهره‌مند نیستند. زندانی شدن وکیل به سبب اصرار بر دفاع از موکل خود، عدم اجازه به وکیل برای اطلاع از وضعیت موکل خود، عدم ارائه اطلاعات کافی درباره اتهام‌های موکل وکیل، از جمله موضوع‌هایی است که حقوق‌دانان بحرین از آنها شاکی هستند (التاجر، ۲۰۱۲: ۳۵۶).

۲-۱۱- فصل سوم منشور اقدام ملی به مباحث اقتصادی و برنامه‌ها و اقدام‌های حکومت و دولت در این خصوص می‌پردازد.

در بخش‌های اول، دوم، سوم و چهارم فصل سوم منشور اقدام ملی، چنین آمده است:

اول: اصل آزادی اقتصادی؛

دوم: مالکیت خصوصی؛

سوم: عدالت اقتصادی و تعادل در قراردادها؛

چهارم: تنوع فعالیت اقتصادی و منابع درآمد ملی.

برنامه‌ها و آینده‌نگری‌های نظام در منشور اقدام ملی درحالی است که از زمان صدور این منشور تاکنون، اقدام‌های متعارض بسیاری صورت پذیرفته‌اند؛ برای نمونه، بسیاری از دارایی‌های شیعیان به‌ویژه جمعیت‌ها و گروه‌های سیاسی شیعه به اتهام همدستی با نیروهای خارجی برای توطئه ضد نظام، مصادره شده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵/۴/۲۷)؛ درخصوص بخش‌های دیگر این بند اقتصادی باید بیان کرد که خاندان آل خلیفه به‌ویژه خلیفه بن سلمان، نخست‌وزیر این کشور تلاش داشته‌اند تا املاک مردم را به بهایی ناچیز از آنان خریداری کنند یا اینکه با ایجاد شرایط دشوار ساخت‌وساز، به سهام‌خواهی از سرمایه‌گذاران بپردازند. خلیفه بن سلمان، همواره از سرمایه‌گذارانی که قصد داشته‌اند ساخت‌وساز انجام دهند، درخواست می‌کرد تا ۵۰ درصد از آن طرح (پروژه) به او تعلق گیرد؛ این اقدام خلیفه بن سلمان که در دوران جوانی به اوج خود رسیده بود، سبب شد تا مردم بحرین وی را به «آقای فیتی - فیتی» و «دزد املاک و اراضی» ملقب کنند (التمیمی، ۲۰۱۲/۸/۱)؛ خلیفه بن سلمان بدین روش، ثروتی بسیار زیادی اندوخته است (بی‌نا، ۲۰۱۱/۳/۲۷)؛ یکی از این

اقدام‌های وی، خرید بزرگ‌ترین مجتمع مالی و مصرفی خاورمیانه، با عنوان «المرفأ المالی»^۱ به مساحت ۳۸۰ هزار مترمربع است که وی آن را از عبدالرحمن محمد عبدالله، صاحب مجتمع، به قیمت یک دینار بحرینی می‌خرد (بی‌نا، ۲۰۱۱/۲/۴)؛ این در حالی است که هزینه ساخت این مجتمع ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بوده‌است؛ نظام بحرین در این بخش از منشور، سخن از شفافیت و کنترل مالی و اداری تمامی ادارات حکومتی به‌میان آورده‌است درحالی‌که برخی از صندوق‌های مالی از جمله صندوق سرمایه‌گذاری «الممتلكات» و شرکت‌ها و صنایع دولتی مانند شرکت هواپیمایی «طیران الخلیج»^۲ و کارخانه آلومینیوم‌سازی «البا»^۳ از بازرسی مالی مجلس انتخابی، مصون هستند (بسیونی، ۲۰۱۱: ۳۶ و ۳۷).

حکومت و نظام آل‌خلیفه به هرکس که تمایل داشته‌باشند، زمین می‌بخشند. آنان تلاش می‌کنند تا با بذل و بخشش زمین و املاک، بسیاری از رهبران جنبش‌های مردمی را به‌سوی خود متوجه‌سازند (مستند خط قرمز، از دقیقه ۱۴:۲۷ تا ۱۵:۲۰)؛ پادشاه فعلی نیز، کاخ‌هایی بسیار مرتفع در بحرین ساخته و همچنان نیز زمین‌های عمومی فراوانی را مصادره کرده‌است تا محوطه کاخ‌های خود را گسترش دهد. خاندان آل‌خلیفه به زمین‌های خشک بحرین برای ساخت‌وساز اکتفا نکرده و زمین‌ها و سواحل زیرآب را نیز با قراردادهایی محرمانه و حتی بلاعوض به برخی از شرکت‌های خاص واگذار کرده‌است که این امر، زمینه‌های اعتراض بسیاری از نمایندگان مجلس انتخابی را فراهم کرد؛ این خاندان به این امر بسنده نکرده، ۹۰۰ میلیون دلار از ثروت‌های مالی بحرین را برای سرمایه‌گذاری در بخش زمین و املاک در لندن از کشور خارج کردند (صوت البحرین، ۲۰۱۷) که همه این فعالیت‌ها با مفاد اقتصادی موجود در منشور اقدام ملی تعارض دارند.

نتیجه‌گیری

منشور اقدام ملی به‌عنوان یکی از نقاط عطف در وضعیت سیاسی بحرین با فراز و فرودهایی در جامعه بحرین، مواجه شد؛ این منشور با تصویب حداکثری از سوی مردم به‌اوج رفت و با نقض آن از جانب پادشاه بحرین و قانون اساسی سال ۲۰۰۲، دوران حضيض و فروپاشی خود را پشت‌سر گذاشت. بسیاری از مفاد مطرح‌شده در منشور اقدام ملی، در نگاه نخست، پیشنهادهایی مطلوب (ایده‌آل)

۱. بندر تجاری

2. Khalij Airline
3. Alba

ازسوی نظام به ملت بحرین به‌شمارمی‌روند؛ این منشور که در ۱۴ فوریه ۲۰۰۰ ازسوی حمد بن عیسی بن سلمان آل‌خلیفه، مطرح شد، در ۱۴ فوریه ۲۰۰۱ به‌همه‌پرسی گذاشته‌شد و در ۱۴ فوریه ۲۰۰۲، همراه با رونمایی از قانون اساسی جدید کشور، درعمل نقض شد که موضع اختلاف میان حکومت و مردم در بحرین است.

مصادف‌شدن صدور قانون اساسی ۲۰۰۲ (که بسیاری از مردم بحرین آن را کودتای قانون اساسی نظام می‌شمارند) با تاریخ طرح و تصویب منشور، یعنی روز ۱۴ فوریه، این احتمال را که پادشاه بحرین از عمد بدین اقدام پرداخت، نزد مردم بحرین تقویت می‌کند چراکه روز ۱۴ فوریه در بحرین، روز ارتش ملی است و بسیاری از مردم بحرین بر این باورند که نظام بحرین در این روز، با کودتای قانون اساسی ۲۰۰۲، از عمد به نقض منشور اقدام ملی پرداخت تا به‌صورت نمادین (سمبلیک)، در این روز که روز قدرت‌نمایی نظام است، اقتدار و یکه‌تازی خود را به‌نمایش بگذارد. از مهم‌ترین و حساس‌ترین عرصه‌های یکه‌تازی نظام در مقابل اکثریت شیعه مردم بحرین، عرصه هویت دینی است چراکه اکثریت مردم بحرین بر اسلامی‌بودن خاستگاه خود بالیده، آن را خطی قرمز برای جامعه خود می‌دانند.

نظام بحرین در این منشور به مردم قول‌داده که المملکة الدستوریة^۱ تشکیل‌دهد و از بحرین به‌عنوان کشوری دموکراتیک یادکرده‌است درحالی‌که روندی که درپیش گرفته‌شد، به‌طورکامل ناقض مفاد منشور است چراکه در ساختار پادشاهی مشروطه، مردم در قدرت سیاسی کشور سهیم‌اند درحالی‌که سیاستی که ملک حمد درحال حاضر اتخاذکرده‌است، سیاست «الإقصاء» یعنی «دورساختن مردم (به‌ویژه شیعیان)» از قدرت است.

حمد بن عیسی که به‌وسیله این منشور، بحرین را از امارت به پادشاهی تبدیل کرد، در برخی از مفاد دینی منشور، از بحرین به‌عنوان کشوری مسلمان یادکرده‌است که اسلام، منبع قانون‌گذاری خواهدبود درحالی‌که حکام بحرین به‌ویژه دو حاکم اخیر، بسیاری از موقعیت‌ها، ظرفیت‌ها و ثروت‌های این جزیره کوچک را برای خوش‌گذرانی و شهوت‌رانی خود و دیگر توریست‌های کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس صرف‌کرده و در این مسیر، مراکز فساد اخلاقی بسیاری احداث کرده‌اند؛ درنهایت بایداعلام کرد که آنچه در متن منشور اقدام ملی بیان‌شد با آنچه در عرصه

۱. پادشاهی مشروطه

واقع، محقق شده است، بسیار تفاوت دارد که موجب افزایش اختلاف میان مردم جامعه و حکومت شده است زیرا پادشاه بحرین، مفاد منشور اقدام ملی را با توجه به هویت دینی اکثریت مردم این کشور تدوین کرد و به آنان عرضه داشت اما در عمل به تقابل با هویت دینی آنان پرداخت. هویت دینی، خط قرمز برای اکثریت جامعه بحرین به شمار می رود، چه شیعیان و چه اهل سنت اما نظام بحرین به صورت هدفمند با تخریب بسیاری از مساجد شیعیان، بازداشت روحانیان و تحقیر علما و نمادهای دین، درصد تحت فشار قرارداد اکثریت شیعه این مجمع الجزایر است تا آنان راهکار آیه شریفه ۹۷ سوره مبارکه نساء را درپیش گرفته، به مهاجرت بپردازند؛ این در حالی است که مردم شیعه بحرین با استناد به اسناد دینی و تاریخی، خود را صاحبان اصلی این مجمع الجزایر می دانند که هیچ گاه، آن را ترک نخواهند کرد؛ این امر، وضعیت سیاسی بحرین را بسیار بحرانی کرده است لذا نظام کشور بحرین برای رسیدن به ساحل آرامش باید هویت دینی موجود در منشور اقدام ملی را پذیرفته، به آن احترام بگذارد چراکه تنها راه بهبود وضعیت سیاسی و حتی اجتماعی بحرین، محترم شمردن هویت دینی اکثریت مردم جامعه و تجاوز نکردن از خطوط قرمز آنان است.

منابع

الف- منابع فارسی

- السنندی، سید مرتضی (۱۳۹۶)؛ *رنج و امید*؛ ترجمه علیرضا بیگی؛ چاپ ۱، قم: نشر شهید کاظمی.
- النوری، سعید (۱۳۹۵)؛ *گواه مهین*، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان رژیم در دادگاه های نظامی آل خلیفه؛ ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان؛ ج ۱، قم: نشر شهید کاظمی، ص ۲۲۰ تا ۲۴۹.
- ابطحی، سید مصطفی (زمستان ۱۳۹۲)؛ «تأثیر گفتمان امام خمینی بر بیداری اسلامی ملت های مصر، تونس و بحرین»، *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش های انقلاب اسلامی*؛ ش ۷، ص ۱۵۷ تا ۱۷۴.
- امیرعبداللهیان، حسین (تابستان ۱۳۹۰)؛ «ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب: مطالعه موردی بحرین»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ ش ۵۲، ص ۱۳۵ تا ۱۵۸.
- امیردهی، ع.ر (پاییز ۱۳۹۰)؛ «سرزمین های جهان اسلام، بحرین سرزمین مروارید»، *فصلنامه اندیشه*

تقریب؛ ش ۲۸، ص ۱۳۱ تا ۱۵۴.

- بازدار، الهام (۱۳۸۹)؛ *بحرین* (مجموعه کتاب‌های جیبی)؛ تهران: نشر امیرکبیر.
- بزرگمهری، مجید (بهار و تابستان ۱۳۹۵)؛ «وزنه اجتماعی جامعه شیعی بحرین در ساختار قدرت، فقدان عدالت اجتماعی و نابرابری»، *دوفصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*؛ دوره ۴، ش ۱، ص ۴۳ تا ۶۴.
- حاتمی، محمدرضا و بغیری، علی (زمستان ۱۳۹۱)؛ «بیداری اسلامی در بحرین، بررسی چرایی موفقیت حزب الوفاق در رقابت با سایر احزاب»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*؛ ش ۷۱، ص ۶۱ تا ۹۲.
- درویشی سه تالانی، فرهاد و علی محمدی (پاییز ۱۳۹۳)؛ «اصلاحات سیاسی در بحرین (ریشه‌ها، روندها و نتایج) ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*؛ ش ۱۱، ص ۳۱ تا ۴۸.
- گلی زواره، غلامرضا (بهمن ۱۳۹۰)؛ «اصلاحات استبدادی در بحرین»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*؛ ش ۶۰۹، ص ۴۸ تا ۵۵.
- هاشمی‌نصب، سعید (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)؛ «بحران بحرین»، *فصلنامه تخصصی پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای*؛ ش ۵، ص ۱۹ تا ۳۸.
- هینوش، ریموند (۱۳۸۶)؛ *سیاست هویت در روابط بین‌الملل* (کتاب روابط بین‌الملل خاورمیانه)؛ ترجمه علی گل محمدی؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب- منابع انگلیسی

- Craig, Edvard, (1965), *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Routledge.
- Pujani, Sana, (2014). "Top 10 sin cities in the world". List dose, last seen (12/19/2017), available in below link:
<http://yon.ir/M3vg4>
- Slackman, Michel, (2011), "Bahrain Takes the Stage With a Raucous Protest", *The New York Times*, last seen (12/19/2017), available in Middle East website in below link:
<http://yon.ir/RBWnf>

- Smart Travel, (2017), "Bahrain Nightlife-Clubs, Bars & Nightlife Tips", last seen (12/19/2017), available in below link:
<http://yon.ir/1QVMB>

ج- منابع عربى

- التاجر، محمد (٢٠١٢)؛ ربيع/البحرين، حصاد الساحات؛ الطبعة الثانية، مرآة البحرين، ص ٣٥٥ تا ٣٤٣.
- _____ (٢٠١٤)؛ *ألم و أمل*، تجربة واقعية فى سجون البحرين، الطبعة الاولى، تيار الوفاء الاسلامى.
- السنكيس، عبدالجليل (٢٠١٣)؛ إفادات قادة ثورة ١٤ فبراير و المعارضة البحرانية امام المحاكم الخليفية، تيار الوفاء الاسلامى، ص ١١٥ تا ١٤٣.
- الشهاى، سعيد (١٩٩٤)؛ البحرين (1920-1971) قراءة فى الوثائق البريطانية، دار الكنوز الأدبية، بيروت، لبنان.
- المتروك، نادر (٢٠١٧)؛ الزفرات، انتفاضة مارس ٢٠١٥ فى سجن "جو" كما رواها السجناء، الطبعة الاولى، وكالة انباء البحرين اليوم.
- المحفوظ، محمدعلى، (٢٠١٥)؛ علماء خلف القضبان، اسبوع العلماء المعتقلين الثانى، جمعية العمل الاسلامى.
- المرزوق، حسين فؤاد، (٢٠١٤)؛ الشيخ عيسى قاسم و التجربة البرلمانية الاولى (مواقف و صور)، مجموعة حوارات مع ملازمى الشيخ فى مفاصل حياته المتعاقبة، رسالة القلم، اسلامية ثقافية شاملة، عدد الخاص، حول القائد آيت الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة- ربيع الثانى، ١٤٣٢ هـ، ٢٠١٤ فبراير، مكتبة فذك، قم المقدسة، الجمهورية الإسلامية فى إيران، ص ١٣٣ الى ١٩٧.
- المرشد، عباس (٢٠١٤)؛ جدار الصمت: انهيار السلطوية، مدخل توثيقى لثورة ١٤ فبراير البحرينية، مركز الدراسات و التوثيقى، أوال، بيروت، لبنان.
- المرشد، عباس و عبدالهادى الخواجه (٢٠٠٨)؛ التنظيمات و الجمعيات السياسية، فراديس للنشر و التوزيع، مملكة البحرين.
- المقداد، عبدالجليل (٢٠١٣)؛ إفادات قادة ثورة ١٤ فبراير و المعارضة البحرانية امام المحاكم الخليفية،

- تيار الوفاء الاسلامي، ص ۶ تا ۱۳.
- النعيمي، عبدالرحمن (۲۰۰۴)؛ الأزمة الدستورية في البحرين؛ بيروت: دار الكنوز الأدبية.
- النوري، سعيد (۲۰۱۳)؛ إفادات قادة ثورة ۱۴ فبراير و المعارضة البحرانية امام المحاكم الخليفية، تيار الوفاء الاسلامي، ص ۱۰۰ الى ۱۱۵.
- بسيوني، محمود شريف (۲۰۱۱)؛ تقرير اللجنة البحرينية لتقصي الحقائق.
- بلغريف، چارلز (۲۰۰۹)، يوميات چارلز بلغريف (۱۸۹۴-۱۹۶۹)، مركز اللؤلؤة البحرين للدراسات و البحوث.
- بوصفوان، عباس (۲۰۱۲)؛ ربيع البحرين، حصاد الساحات، الطبعة الثانية، مرآة البحرين، ص ۵۰۱ تا ۵۰۷.
- بي نا (۲۰۱۶)؛ اضطهاد المواطنين الشيعة في البحرين، المؤتمر الدولي لإضطهاد الشيعة في البحرين، بروكسل.
- بي نا (أ) (۲۰۱۴). الثابت و المتحول، الخليج بين الشقاق المجتمعي و ترابط المال و السلطة، مركز الخليج لسياسات التنمية.
- بي نا (ب) (۲۰۱۴)؛ عطاء و مسيرة جهاد، ترجمة مختصرة لسماحة آيت الله الشيخ عيسى قاسم، رسالة القلم، اسلامية ثقافية شاملة، عدد الخاص، حول القائد آيت الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة - ربيع الثاني، ۱۴۳۲هـ، ۲۰۱۴ فبراير، مكتبة فذك، قم المقدسة، الجمهورية الإسلامية في إيران، ص ۳۸ الى ۴۹.
- بي نا (۲۰۱۳)؛ ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۲؛ الطبعة الأولى، بيروت: مرآة البحرين، ص ۲۸ تا ۳۳.
- بي نا (أ) (۲۰۱۲)؛ الإعلام السياسي في البحرين: من «الجداريات» و المنشورات الى المنتديات، ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۱، الطبعة الثانية، مايو ۲۰۱۲، مرآة البحرين، ص ۱۹۷ تا ۲۰۳.
- بي نا (ب) (۲۰۱۲)؛ ربيع البحرين، حصاد الساحات؛ الطبعة الثانية، مرآة البحرين.
- حركة احرار البحرين الإسلامية (بي تا)، عام التكامل بين الداخل و الخارج، يوميات الإنتفاضة

- الدستورية في البحرين، يناير ١٩٩٩ - ديسمبر ١٩٩٩، طبعته حركة احرار البحرين الإسلامية.
- سلمان، علی (٢٠١٧)؛ *مرافعة وطن، نص مرافعة زعيم المعارضة البحرينية الشيخ علي سلمان امام القضاء البحريني، جمعية الوفاق الوطني الإسلامية.*
- عبدالكريم الهاني، عبدالرحمن، (٢٠٠٠)؛ *البحرين في صدر الإسلام؛ بيروت.*
- مرزوق، عادل، (٢٠١٢)؛ *ربيع البحرين، حصاد الساحات؛ الطبعة الثانية، مرآة البحرين، ص ١٨٣ تا ١٩٣.*

د- مصاحبه

- الدقاق، عبدالله (١٣٩٦/٤/٢)؛ «تاريخ شكل گیری گروهها و جریانهای سیاسی در بحرین»؛ مصاحبهکننده: علیرضا بیگی؛ قم.
- السندی، سید مرتضی (١٣٩٦/٥/٧)؛ «نقش تيار الوفاء الإسلامي در جنبش ١٤ فوریه بحرین»؛ مصاحبهکننده: علیرضا بیگی؛ قم.
- الصالح، عبدالله (١٣٩٦/٧/١٣)؛ «نقش جمعية العمل الإسلامي در جنبش ١٤ فوریه بحرین»؛ مصاحبهکننده: علیرضا بیگی؛ قم.

ه- منابع الکترونیکی

- الأمر الملكي رقم ١٤ للعام ٢٠٠٢؛ تاريخ مشاهده: ١٣٩٦/٨/٢٠، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/nOjUF>
- التميمي (٢٠١٢/٨/١)؛ التميمي يفجرها: خليفه بن سلمان سارق الأراضي، يوتيوب، تاريخ مشاهده: ١٣٩٦/٧/٢٧، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/qezKa>
- المرابيا، زعفران (٢٠٠٥/٨/١٥)؛ مملكة البحرين، تاريخ عظيم و حضارة رائعة، سامانه جسد الثقافة، تاريخ مشاهده: ١٣٩٦/٨/٢١، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/71GWU>
- المسقطي، أماني (٢٠١٤)؛ فريدم هاوس: البحرين «غير حرة» للعام الخامس على التوالي، صحيفة الوسط ٢٥/١٤/٢٥، تاريخ مشاهده (١٣٩٦/٧/٢٥)، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/Rktoi>

- أبو الفضل، عمرو (۲۰۱۲/۱/۲۰)؛ العلاء بن الحضرمی أول قائد بحری فی الإسلام، سامانه تحلیلی
الإتحاد، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/28g14>
- بی‌نا (۲۰۱۱)؛ میثاق العمل الوطنی، (آخرین بازدید ۱۳۹۶/۷/۱۴)، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/RWdDc>
- صوت البحرین (۲۰۱۷)؛ دکتاتور البحرین یملك عقارات ضخمة فی لندن، سامانه خبری صوت
البحرین، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۲/۱۵، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/UXqfa>
- بی‌نا (۲۰۱۱/۱۱/۱)؛ موضوع خاص بأمالک و اموال البحرین و شعب البحرین المسروقة من عائلة
آل خلیفه، فجر البحرین، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۲/۱۴، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/CtG8d>
- بی‌نا (۲۰۰۱/۱۱/۱۷)؛ ماذا یملك "خلیفه بن سلمان"؟ فی مقارنۀ مع قصر تكلف بناء ۷۰۰ میلیون
دولار، ملتقى البحرین، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۲/۱۴، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/t3Vxf>
- بی‌نا (۲۰۱۱/۳/۲۷)؛ أملاك الشیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه، الشیعة فی السعودیة، تاریخ مشاهده:
۱۳۹۶/۲/۱۴، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/48btP>
- بی‌نا (۲۰۱۱/۲/۴)؛ خلیفه بن سلمان رئیس الوزار یشترى مرفأ البحرین بدینار واحد فقط، یوتیوب،
تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۷/۳۰، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/pkY4U>
- بی‌نا (۱۳۹۵)؛ بحرین حکم نهایی انحلال و مصادره اموال «جمعیت الوفاق» را صادر کرد،
خبرگزاری تسنیم، خبرگزاری تسنیم، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۸/۲۲، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/C0yhd>
- مرسوم بقانون ۴۲، لسنة ۲۰۰۲؛ تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۸/۲۰، قابل مشاهده در سامانه زیر:
<http://yon.ir/7dJkm>